

عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین الملل

دکتر نسرين مهرا

چکیده

از دو دهه پیش به این سو، به موازات تأکید بر حقوق بشری کردن نظام کیفری، حقوق کیفری اطفال مورد توجه مراجع بین المللی، بویژه سازمان ملل متحد قرار گرفته است. در این چارچوب اسناد الزام آور و ارشادی چندی به صورت قطعنامه، کنوانسیون، اعلامیه، ... به تصویب رسیده است. هدف همه اینها، تأثیرگذاری بر عدالت کیفری اطفال کشورها است، به طوری که حقوق اطفال بزهکار و بزه دیده در همه مراحل دادرسی بهتر رعایت شود و واکنشهای متناسب به شخصیت صغار پیش بینی و اعمال شود.

درآمد

با وجود این که حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق کودک به گونه غیرقابل تصویری در دهه گذشته متحول شده است، اما هنوز بعضی از دولتها معتقدند که برخی کودکان به لحاظ مشکلات بسیار شدید خانوادگی و تحصیلی باید از حمایت بیشتری برخوردار گردند. هنگامی که کشوری حقوق کودک را با نوعی رویکرد سلسله مراتبی، یعنی نسبت به بزرگسالان، در سطح پایین‌تری مورد توجه قرار می‌دهد، حقوق کودکان بزهکار به طور اجتناب‌ناپذیری، دست کم گرفته می‌شود. در نتیجه اکثر کشورها در رفتار خود نسبت به این گونه کودکان، تعهدات بین‌المللی خود را نقض می‌کنند.

در بسیاری از کشورها، صغار بزهکار از موقعیت «کودکی» خود و توجهات خاصی که این موقعیت می‌طلبد، به شکل نگران‌کننده‌ای محروم هستند و نیازهای آنها نادیده گرفته می‌شود چنانکه هدف غایی سیستم عدالت کیفری اطفال، یعنی دادگاههای خاص اطفال، عموماً تنبیه کودکان و نوجوانان بزهکار است. نگرانی دیگر این است که کودکان بزهکار در سراسر جهان به جای برخورداری از اقدامات حمایتی - تربیتی مناسب در زندان نگهداری می‌شوند و از نظر جسمانی و جنسی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. علاوه بر این، در بسیاری از کشورها، کودکان را مانند بزرگسالان محاکمه می‌کنند و به زندان بزرگسالان انتقال می‌دهند. حتی در بعضی از کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا یا سومالی، کودکان به کیفر مرگ نیز محکوم می‌شوند، در حالی که در قواعد و مقررات بین‌المللی

این گونه اعمال مجازات در خصوص کودکان، صریحاً منع شده است.^۱ کانتول در این مورد می‌نویسد: «... عقیده رایجی وجود دارد مبنی بر این که سرنوشت کودکان بزهکار از سوی بسیاری دولت‌ها در اولویت قرار داده نمی‌شود. در واقع تاکنون مشکل این بوده است که با این موضوع بیشتر در قالب مبارزه علیه جرایم کودکان برخورد شود تا براساس ارتقاء کیفیت عدالت کیفری ویژه اطفال».^۲

در این نوشتار سعی بر آن است که مقررات حقوق بین‌الملل مربوط به عدالت کیفری اطفال شناسایی و بررسی شود و نیز میزان حمایت نظام بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با این کودکان مشخص گردد.

الف. عدالت کیفری اطفال به عنوان یک مقوله حقوق بشری

نظام بین‌المللی حقوق بشر مجموعه‌ای است از پیمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، اعلامیه‌های غیرالزامی، قطعنامه‌ها، قواعد و اصول راهبردی. از نظر اصولی، موارد حمایت از اطفال بزهکار تا آنجا که به مقررات بازداشت و رعایت تشریفات قانونی در فرایند دادرسی مربوط می‌باشد در معاهدات عمومی حقوق بشری پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب، به موجب مفاد این معاهدات، کودکان می‌توانند، برای مثال، از مقررات مربوط به آزادی و امنیت موضوع ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و

۱. برای تفصیل بیشتر رک. عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۰، همچنین رک.

International Covenant on Civil and Political Rights, Art 6(5), reprinted in Brownlie 1992, Report of the Special Rapporteur, para. 9.

2. Nigel Cantwell, Defence for Children International, International Standards Concerning the Rights of the Child, United Nations Convention on the Rights of the Child, 1998, p.3.

آزادی‌های اساسی که مربوط به انواع سلب آزادی است یا مقررات ماده ۶ آن که مربوط به ویژگی‌های «دادرسی عادلانه» است، برخوردار باشند. افزون بر این، معاهداتی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقررات ویژه‌ای را در قالب مواد مربوط به آزادی و امنیت شخصی و دادرسی عادلانه پیش‌بینی کرده است؛ ماده (۵) ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «حکم اعدام نباید در مورد جرائمی اعمال شود که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب می‌شوند». به همین ترتیب، ماده (۴) ۱۴ میثاق مقرر می‌دارد: «در مورد اشخاص صغیر، رسیدگی باید به نحوی باشد که سن و بازپروری آنان مورد توجه قرار گیرد».

در این مقررات تأکید شده است که جنبه‌های مختلف عدالت کیفری اطفال از دیرباز مورد توجه حقوق بشر بوده که این خود به تکلیف دولت‌ها در پیش‌بینی نظام جداگانه‌ای برای اطفال بزهکار اهمیت می‌بخشد.

اما در عمل، مقررات فوق تأثیر محدودی بر معیارهای عدالت کیفری اطفال در حقوق داخلی اغلب کشورهای عضو کنوانسیون داشته است. به علاوه، علی‌رغم تعهد مبنی بر پیشبرد سیستم عادلانه عدالت کیفری اطفال، جامعه بین‌المللی این موضوع را در اولویت قرار نداده است. در مواردی نادر، هنگامی که دیوان اروپایی حقوق بشر، قبل از تصویب کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۱۹۸۹، به مسأله عدالت کیفری اطفال و موضوعات مرتبط می‌پرداخت، تصمیمات آن مناسب با نیازهای کودکان نبود. یک نمونه روشن این موضوع، پرونده Sargin به طرفیت دولت آلمان بود،^۳ که در آن پلیس یک دختر ۱۰ ساله را از مدرسه به کلانتری منتقل

3. Sargin v. Germany (1981) 4 EHRP 276.

کرده بود زیرا آموزگار آن دختر نسبت به شرکت او در سرقت ارتكایی در مدرسه شک داشت. او مدت دو ساعت در کلاتتری بازداشت و بازجویی شده بود، طی این مدت پدر و مادرش از حضور وی در کلاتتری بی اطلاع بودند و از مشاوره حقوقی نیز برخوردار نبود. بالاخره وی بدون هیچ گونه اتهامی آزاد شد. اما بعداً به موجب ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، شکایتی به عنوان نقض حقوق و آزادی خود اقامه کرد. کمیسیون حقوق بشر (در دیوان اروپایی حقوق بشر)^۴ هیچ گونه موردی در خصوص نقض حقوق و آزادی برای مدت بازداشت او احراز نکرد. عجیب بود که هیچ گونه استدلالی در خصوص آسیب پذیری ناشی از صغر سن وی نشده بود. بنابراین دلایل مذکور در رأی به سبب عدم توجه به این موضوع دیگر معتبر نیست.

ب. انقلابی در عدالت کیفری اطفال

خانم وان بورن معتقد است که از دهه ۱۹۸۰ نوعی انقلاب خاموش در زمینه اعمال و مدیریت عدالت کیفری اطفال در حقوق بین الملل رخ داده است.^۵ در واقع طی یک دهه، چارچوب جامعی که تمامی جنبه های عدالت کیفری اطفال را در برگیرد، در قالب چهارسند بین المللی تهیه و تنظیم شد:

۴. در مورد ساختار جدید دیوان اروپایی حقوق بشر رک. قاری سید فاطمی، دکتر سید محمد، دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹ به بعد.

5. Van Bueren, G (1995), *The International Law on the Rights of the Child*; also Van Bueren, G (1992), "Child Oriented Justice - an international challenge for Europe", 3 *International Documents on Children*, Nijhoff: Dordrecht.

- کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) که از این پس «کنوانسیون» نامیده خواهد شد؛
- قواعد سازمان ملل متحد برای مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال (۱۹۸۵) (قواعد پکن)؛
- قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از صغار محروم از آزادی (۱۹۹۰)؛
- اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری صغار (۱۹۹۰) (اصول راهبردی ریاض).^۶

تحقیقاً، از میان چهار سند فوق، کنوانسیون به دلیل ماهیت تعهدآور و فراگیرش و این که بیش از ۱۹۱ دولت آن را تصویب کرده‌اند، مهمترین سند محسوب می‌شود.^۷ هرچند قواعد و اصول راهبردی سازمان ملل حاوی مقررات مفصل و جامع‌تری هستند، اما تعهدآور نبوده و صرفاً جنبه ارشادی و ترغیب‌کننده دارند و در نتیجه، تعهدات دولت‌ها برای اجرای این اسناد بسیار ناچیز است. مع‌ذلک، کنوانسیون حقوق کودک، این جنبه را تا حدودی بهبود می‌بخشد، بدین ترتیب، مفاد اسناد دیگر را قویاً مورد توجه قرار می‌دهد و مقرراتی را درباره عدالت کیفری اطفال در متن خود

۶. برای اطلاعات بیشتر درخصوص مفاد این اسناد، رک. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.

۷. سومالی و ایالات متحده آمریکا هنوز آن را تصویب نکرده‌اند. گفتنی است که ایران به موجب قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب اسفندماه ۱۳۷۲ و با اعمال حق شرط مبنی بر «...، اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط به آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد» آن را تصویب کرده است.

پیش‌بینی می‌کند. در روش توصیه شده در این اسناد، تغییر محسوسی بوجود آمده و تأکید بر اقدامات تنبیهی به سیستم «عدالت کیفری کودک مدار» تغییر یافته است که در آن توجه به منافع و مصالح کودک جنبه محوری دارد و مهمترین عامل است، کرامت ذاتی کودک نیز در آن مورد حمایت قرار گرفته است. بدین ترتیب، ماده ۴۰ کنوانسیون چنین مقرر می‌دارد:

«دولت‌های طرف کنوانسیون، حقوق کودکی را که مورد اتهام قرار گرفته و یا به عنوان ناقض قوانین کیفری تشخیص داده شده، آن‌گونه مورد رسیدگی و توجه قرار می‌دهند که متناسب با تقویت احساس شخصیت و اعتبار در کودک باشد...».

این واقعیت که سیستم عدالت کیفری بحث بسیار پیچیده‌تری از قانون است، با دامنه گسترده و محتوای این اسناد، قابل درک است. مقررات عدالت کیفری اطفال شامل موضوعاتی از قبیل محرومیت از آزادی، تضمین حقوق بنیادین، تغذیه، مراقبت بهداشتی و پوشاک است که در متن کنوانسیون ۱۹۸۹ پیش‌بینی شده است. از سویی دیگر، حقوق مدنی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بعدی نیز مد نظر قرار می‌گیرد. برای مثال، ماده ۴۰ کنوانسیون به طور مفصل به تضمین‌های همه جانبه تشریفات قانونی (دادرسی عادلانه) در مورد کودکان از جمله اماره برائت و حق آگاه شدن فوری از اتهامات و برخورداری از معاضدت حقوقی برای تهیه و تنظیم لایحه دفاعیه و نیز برگزاری جلسه محاکمه بدون تأخیر از جانب مقام صالح قانونی و مجموعه‌ای از تضمین‌های دیگر اشاره دارد، که از سایر اسناد حقوق بشر اقتباس شده است. این کنوانسیون از دولت‌ها می‌خواهد تا حداقل سن منطقی برای مسئولیت کیفری تعیین کنند،

روش‌های غیرقضایی برخورد با کودکان بزهکار را بوجود آورند (قضازدایی) و اقدامهای جایگزین نظارت، مراقبت و نگهداری در نهادی رسمی را (که در واقع با سلب آزادی اطفال انجام می‌شود) اتخاذ نمایند. این مقررات با ماده ۳۷ که کیفر مرگ و حبس ابد را منع کرده تکمیل شده است، همچنین ماده ۳۷ خواستار آن است که زندان به عنوان «آخرین حربه» در نظر گرفته شود و در مواردی که کودکان حبس شده‌اند، مدت آن تا جای ممکن کوتاه باشد. ماده ۳۹ از دولت‌ها می‌خواهد که ترمیم و بهبود وضعیت جسمی و روانی کودک و نیز یکپارچه سازی اجتماعی یا جامعه‌پذیری دوباره کودکان قربانی را ارتقا دهند.

مقررات ویژه عدالت کیفری اطفال باید در پرتو اصول فراگیر کنوانسیون مورد بررسی قرار گیرد که مواد مختلف آن مقرر می‌دارند: دولت‌ها در همه تدابیر و اقدام‌های خود، باید با در نظر گرفتن منافع و مصالح عالی‌ه کودک عمل کنند (ماده ۳)، استعداد‌های رو به تکامل کودک را مورد توجه قرار دهند (ماده ۵)، بهای لازم را به دیدگاهها و خواسته‌های کودک بدهند (ماده ۱۲) و حقوق همه کودکان را بدون تبعیض تضمین نمایند (ماده ۲). نگرش کنوانسیون به حقوق کودک، کلی است و مقررات آن، نوعی اشاره انعکاسی به سایر حقوق کودک و از جمله عدالت کیفری اطفال دارد. آقایان هاجکین و نیول در ارتباط با این موضوع، اظهار می‌دارند که کمیته در بحث عمومی خود درباره عدالت کیفری اطفال، به ویژه به نیاز دولت‌ها در استقرار: «یک سیستم عدالت کیفری اطفال تأکید کرد که در آن کودک به عنوان موضوع اصلی حقوق اساسی و آزادی‌ها شناخته

شده باشد و همه اقدامات برای کودکان در وهله اول مبتنی بر منافع و مصالح عالیّه آنان باشد».^۸

ج. پیشبرد سیستم عدالت کیفری اطفال از طریق کنوانسیون

از دولت‌های طرف کنوانسیون خواسته شده است که مقررات کنوانسیون را با وارد کردن معیارهای آن در رویه‌های تقنینی و اداری خود، به اجرا گذارند. کمیسیون ایجاد کمیته‌ای نظارتی به منظور بررسی دوره‌ای گزارش دولت‌ها درباره پیشرفت اعمال مفاد کنوانسیون در مراجع قضایی و قوانین داخلی پیش‌بینی کرده است. کمیته حقوق کودک که در واقع نهادی نظارتی برای پیشرفت اجرای مفاد کنوانسیون در دولتهای عضو است، متذکر شده که به اصول راهبردی و قواعدی توجه می‌کند که باید همواره با مقررات کنوانسیون در مورد عدالت کیفری اتخاذ شود. از طرف دیگر، این کمیته دولت‌ها را در ارتباط با پیشینه آنها در خصوص مواد ۳۷، ۳۹ و ۴۰ بطور مداوم مورد انتقاد قرار می‌دهد. آقای کانتول به حق یادآور شده که: «سیاست و رویه مرتبط با عدالت کیفری اطفال، از مواردی هستند که بیشترین انتقادهای کمیته را درباره حقوق کودک در بر می‌گیرند».^۹

این کمیته در واقع به مشکلاتی در این زمینه اشاره کرده که شامل حدود دوسوم گزارشهایی می‌شود که مورد بررسی قرار داده است.

8. Hodgkin. R and Newell, P. (1998), *Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child*, New York: UNICEF.

9. Cantwell N (1998), "Nothing more than Justice", *Juvenile Justice Information Portfolio*, 3 *Innocent Digest*.

در این محدوده، به ویژه تعاریف مشکل آفرینند: در حالی که ماده ۱ همه افراد زیر ۱۸ سال را کودک می‌شناسد، و ماده ۴۰ به اهمیت این موضوع اشاره دارد که دولت‌ها حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین نمایند اما تنوع رویه کشورها، حاکی از آن است که در مورد مسئولیت کیفری کودک اتفاق آرای در قوانین داخلی وجود ندارد. نتیجه اینکه در بعضی از کشورها، از نظر کیفری کودک در ۷ سالگی و در بعضی دیگر در ۱۸ سالگی مسئول محسوب می‌شود.^{۱۰}

اما در هر حال دولت‌ها بطور کلی ترغیب شده‌اند که حداقل سن را خیلی پایین در نظر نگیرند. برای نمونه کمیته در مورد کشور سریلانکا نگرانی شدید خود را به پایین بودن سن مسئولیت کیفری در آن کشور که هشت سال است چنین بیان کرد: «سن مسئولیت کیفری نباید خیلی پایین باشد».

به همین ترتیب، کمیته در بررسی گزارش اولیه دولت بریتانیا چنین اظهار داشت: «سن پایین مسئولیت کیفری و قوانین داخلی مربوط به عدالت کیفری اطفال با مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون هماهنگ به نظر نمی‌رسند». کمیته تلاش کرده است تأثیر خود را در این زمینه به بالاترین میزان برساند. زیرا انگیزه‌های سیاسی، دولت‌ها را از واکنشی روشن به موضوع باز می‌دارد. علاوه بر این، گوناگونی رویه‌ها در کشورها به خودی خود، امکان تعیین حداقل سن یکسان در بین کشورها را کاهش می‌دهد.

۱۰. به عنوان نمونه در خصوص حقوق انگلستان رک. میرمحمد صادقی، دکتر حسین، طبقه بندی اطفال پرهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۲۶-۲۵ بهار - تابستان ۱۳۷۸، صص ۱۵۱-۱۵۷؛ در خصوص حقوق فرانسه رک. لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹ و بعد.

بدین سان، در غالب کشورها سن مسئولیت کیفری بسیار پایین تر از سن متعارف کبر است که این به زیان کودک است. در تفسیر قواعد پکن، دولت‌ها ترغیب شده‌اند که قوانین خود را هماهنگ کنند و در ارتباط با موضوع فوق، واکنش «عاطفی تری» با کودک را مد نظر قرار دهند:

«چنانچه سن مسئولیت کیفری خیلی پایین یا بطور کلی حد سن پایینی وجود نداشته باشد، موضوع مسئولیت کیفری بی معنی خواهد شد. بطور کلی، رابطه نزدیکی بین مفهوم مسئولیت کیفری برای بزهکار یا رفتار مجرمانه و سایر حقوق اجتماعی و مسئولیت‌ها وجود دارد (مانند وضعیت تأهل سن کبر مدنی و غیره)»^{۱۱}

ارتقاء و حمایت از کودکان در ایجاد تعادل بین شناسایی حقوق فردی و مشارکتی آنها، و ترویج حمایت از رفاه و سعادت آنها با مشکل روبروست.

کشورهایی که سن مسئولیت کیفری را پایین و سن دستیابی به حقوق مدنی را بالا تعیین کرده‌اند (مانند سن رأی دادن و یا سن کار کردن)، در واقع به سیاست‌ها و راهبردهای اصلی کنوانسیون توجهی نداشته‌اند.

کمیته نظارت اهمیت اقدامات پیشگیرانه را نیز به کرات به کشورهای عضو گوشزد کرده و ریشه‌های اجتماعی بزهکاری را به روشنی بیان کرده است. بویژه، کمیته به دولت‌ها توصیه می‌نماید که اصول راهبر ریاض برای پیشگیری از بزهکاری اطفال را مورد توجه قرار دهند. این

11. Van Bueren G (1993), International Documents on Children, Nijhoff: Dordrecht.

اصول، حاوی معیارهایی است که باید در کشورها اجرا شوند.^{۱۲} مثلاً پس از بررسی گزارش بریتانیا در اجرای مفاد کنوانسیون در این کشور، چنین اظهار نظر شده است:

«... همچنین، کمیته مایل است که کشورهای عضو اقدامات لازم را به منظور پیشگیری از بزهکاری اطفال به شرح مندرج در کنوانسیون و متن تکمیلی اصول راهبردی ریاض، به عمل آورند».

چنین حرکتی هم به جا و هم تاحدی تعجب آور است. زیرا از یک سو الحاق به تعهدات الزام آور که به موجب مقررات بین‌المللی پذیرفته شده ممکن است دولت‌ها را در برابر چالش‌های جدیدی از نظر اعمال و اجرای تعهدات قرار دهد. از طرف دیگر، تعداد بسیار کمی از دولت‌ها اصول غیرتعهدآور را در حقوق خود خواهند گنجانند، اگرچه فرض به این است که آنها توصیه‌های کمیته را خواهند پذیرفت.

موضوع دیگری که کمیته دائماً با آن درگیر بوده، نحوه دادرسی اطفال است که در این خصوص نظارت دولت‌ها را ترغیب می‌کند تا سیستم جداگانه و متفاوتی برای محاکمه کودکان ایجاد کنند.

در مواقعی که این امر به دلایل اقتصادی، سیاسی میسر نیست، دولت‌ها به موجب ماده ۱۲ تعهد دارند، اطمینان یابند که کودکان از حقوق دفاعی خود محروم نشده‌اند و روند جلسات دادگاه بیشتر در جهت درک شخصیت کودک و توجه به اظهارات او است. تفسیر قواعد پکن، تأکید بر غیرعلنی بودن جلسات دادگاه در تمامی مراحل رسیدگی دارد تا از

12. Hodgkin and Newell, 1998, p. 546.

انگشت‌نما شدن کودکان متهم و بزهکار و اثرات منفی برچسب و انگ‌زنی مجرمانه به آنها، جلوگیری شود.

آخرین موضوع برای کمیته نظارت، حبس کودکان است که استفاده از این روش بسیار سؤال برانگیز است. ولسی در عین حال از سوی اغلب کشورهای عضو کنوانسیون اجرا می‌شود. آقای کانتول^{۱۳} بر این موضوع تأکید کرده است که در اکثر کشورها، غالب کودکانی که آزادیشان سلب شده است، در واقع به علت ارتکاب جرایم کوچک در مرحله مقدماتی با بازداشت موقت روبرو شده‌اند در مرحله رسیدگی ماهوی و محکومیت، به کیفر حبس محکوم نشده‌اند. چنین رویه‌ای بطور صریح، در کنوانسیون ۱۹۸۹ و قواعد پکن مردود شده است که هر دو بر نظارت و توجه زیاد به کودک یا قرار دادن او در یک خانواده یا آموزش دادن کودک به جای بازداشت، تأکید می‌کنند.^{۱۴}

از سوی دیگر، کانتول استدلال می‌کند که هرچند ناکارایی مجازات‌های سلب آزادی نسبت به بزهکاران جوان کاملاً مستند است، ولی این که سلب آزادی، در سطح وسیع مورد استفاده قرار گیرد، چالشی برای کنوانسیون محسوب می‌شود.^{۱۵} در قواعد پکن، مجموعه‌ای از مجازات‌های جایگزین حبس در قاعده ۱۶ پیش‌بینی شده است و رعایت مؤثر تکالیف کشورها در کنوانسیون چنین ایجاب می‌کند که مجازات حبس اعمال نشود، مگر آنکه واقعیت‌های حاکم در صدور رأی و تعیین کیفر، سلب

۱۳. رک. Cantwell 1998.

۱۴. رک. قاعده ۱۳ قواعد پکن ۱۹۸۵.

۱۵. رک. Cantwell 1998.

آزادی (حبس) را طلب کند. کمیته نظارت در اظهار نظر خود نسبت به گزارش کشور نیجریه، اهمیت این اصل را چنین مورد تأکید قرار می‌دهد: «از حبس و بازداشت کودک تا حد ممکن باید خودداری شود و جایگزین‌هایی که بیشتر جنبه اجتماعی و فرهنگی دارد برای آن باید پیش‌بینی و به اجرا گذاشته شود».

مع‌هذا، تعداد بسیار کمی از کشورها، مفاد ماده ۳۷ را رعایت می‌کنند که حبس باید به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته شود، دلیل این امر آن‌گونه که آقای کانتول بیان می‌کند آن است که انتخاب دولت‌ها در زمینه مجازات‌های متناسب برای کودکان بسیار محدود است.

«انتخاب‌های موجود اغلب عبارت است از نوعی اخطار یا آزادی مشروط، جریمه یا حبس تعلیقی. سایر پاسخ‌ها را می‌توان در مجموعه کیفری مشاهده نمود. ولی این راهکارها به علت فقدان منابع مالی و انسانی و ... عملی نیستند، بنابراین آخرین حربه یعنی کیفر سلب آزادی بصورت یک راهکار جاری در می‌آید».

نکته نگران‌کننده دیگر درصد بالا و بی‌تناسب کودکان متعلق به اقلیت‌های نژادی است که در زندان به سر می‌برند و از نظر قضات، حکم حبس، حکم متناسبی برای آنان محسوب می‌شود.^{۱۶} به همین ترتیب، کودکان بی‌سرپناه و فاقد امکانات مالی، بیشتر در معرض سلب آزادی قرار دارند.

۱۶. در این زمینه آقای کانتول در نوشته خود اشاره خاص به کشورهای کانادا و استرالیا دارد. رک. کانتول ۱۹۹۸.

در سال ۱۹۹۷، سازمان دیده‌بان حقوق بشر^{۱۷} گزارش داد که در کشور کنیا، پلیس کودکان خیابانی را بطور خودسرانه به مدت چند روز یا چند هفته بازداشت می‌کند و طی این مدت معمولاً مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند:

«گشت‌های پلیس ویژه جمع‌آوری کودکان، با به کار بردن خشونت و بی‌توجهی به سلامت کودکان، که غالباً به هنگام بازداشت مورد بی‌احترامی، خشونت و ضرب و شتم قرار می‌گیرند، اقدام به این کار می‌کنند. کودکان خیابانی پس از دستگیری در شرایط فیزیکی اسفناک در سلول‌های شلوغی نگهداری می‌شوند که اکثراً فاقد توالت و خوابگاه است و وضع تغذیه و آب آنان نیز نامناسب است»^{۱۸}.

این روش پلیس که گزارش این سازمان و گزارش سازمان عفو بین‌الملل در مورد کشور جامائیکا،^{۱۹} به آن اشاره کرده‌اند، در کشور امریکا نیز جاری است. هرچند این کشور عضو کنوانسیون نیست، زیرا در حال حاضر، همان‌طور که پیشتر متذکر شدیم، امریکا یکی از دو کشوری است که هنوز به کنوانسیون ملحق نشده‌اند.

ماده ۳۷، علاوه بر تأکید بر زندان به عنوان آخرین حربه، مقرر می‌دارد در صورت زندانی شدن کودکان مدت آن نباید تا جای ممکن کوتاه باشد. این امر بدان معنی است که حکم حبس طولانی مدت نباید در

17. Human Rights Watch, (1997) *Juvenile Justice: Police Abuse and Detention of Street Children in Kenya*, New York: Human Rights Watch.

18. Human Rights Watch, (1999) *Nobody's Children: Jamaican Children in Police Detention and Government Institutions*, New York: Human Rights Watch.

19. Amnesty International, (1998) *'Betraying the young: Children in US Justice system*, AMR 51/60/98.

موارد استثنایی صادر شود. به طریق اولی روشن است که اعمال حبس ابد نسبت به مجرم جوان، در جهت مخالف دیدگاه کنوانسیون است. به ویژه از این جهت که چنین کیفری قابلیت کودک را برای تحول و برگشت مجدد به اجتماع نادیده می‌گیرد. تعداد زیادی از دولت‌ها، در قوانین خود حکم زندان ابد را برای کودکان در سنین بالای دوره کودکی یعنی برای کودکان ۱۶ تا ۱۸ سال، پیش‌بینی کرده‌اند. کمیته نظارتی نظر خود را چنین بیان نموده که این گونه قوانین ناقض مفاد ماده ۳۷ کنوانسیون هستند.

در بررسی گزارش چین، برای مثال، کمیته نظارت بصورت روشن بیان کرد که صدور حکم حبس ابد برای فرد زیر ۱۸ سال، با مفاد کنوانسیون مغایرت دارد. نظریات نهایی کمیته درباره گزارش دولت بریتانیا، حاکی از آن است که حکم زندان از نظر مدت نامعین برای کودک نیز مغایر با مفاد کنوانسیون است.

ماده (c) ۳۷ مقرر می‌دارد اطفال و نوجوانان باید از بزرگسالان جدا نگهداری شوند، این موضوع قبلاً در ماده (ب) (۲) ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده بود، که البته بسیاری از کشورها مقررات مذکور را نادیده می‌گیرند و تمایل دارند، عدم رعایت مفاد آن را با وضعیت اقتصادی نامطلوب کشور خود توجیه نمایند. در بیشتر کشورها، موارد تفکیک واحدهای خاص کودکان نادر و پرهزینه است و به عنوان یک موضوع سیاسی، برای دولتمردان فاقد جذابیت است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که وضعیت اقتصادی دولت‌ها خود توجیهی است برای عدم توجه به عدالت کیفری اطفال و به حاشیه راندن این موضوع. به همین جهت، علیرغم آنکه دولت‌ها کنوانسیون را با حسن نیت به تصویب

رسانده‌اند اما نمی‌توانند آن را به اجرا گذارند. خانم وان بورن در این زمینه بیان می‌دارد:

«کشورهایی که خود را در زمینه مساعد کردن زمینه آموزش عمومی کودکان و خدمات بهداشتی ناتوان می‌پندارند، چطور می‌توانند منابع مالی - انسانی ناچیز خود را صرف بهبود سیستم عدالت کیفری اطفال نمایند که تنها شامل اقلیتی از کودکان - یعنی اطفال بزهکار می‌شود».^{۲۰}

بنابراین جای تعجب نیست که بسیاری از کشورها از جمله بریتانیا، کانادا، نیوزلند و استرالیا در جداسازی اطفال از بزرگسالان بزهکار، با موانعی روبرو هستند.

این بررسی مختصر بعضی موضوعات عدالت کیفری اطفال را که کمیته نظارت با آن مواجه است، روشن نموده و حاکی از آن است که بسیاری از دولت‌ها در مورد تعهدات خود در زمینه عدالت کیفری اطفال روش «کج‌دار و مریز» را اتخاذ کرده‌اند. به منظور کمک به کشورها و کمیته نظارت در جهت دستیابی به اهداف و اصول کنوانسیون در این زمینه، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اصول راهبردی را برای انجام اصلاحاتی در سیستم عدالت کیفری اطفال تنظیم نموده است که این اصول از جمله کمک فنی به کشورها را برای به روز در آوردن قوانین و رویه‌هایشان در قبال اطفال بزهکار توصیه می‌کند. علاوه بر آن، هدف خاصی در مورد استقرار یک سیستم جامع عدالت کیفری تعیین شده است و هیأتی از کاشناسان مستقل تشکیل داده تا قوانین مربوط به عدالت کیفری اطفال را در کشور بررسی نموده و اطمینان حاصل نمایند که از یک سو،

20. Van Bueren 1995, p. 171.

هیچ کودکی در معرض اقدامات کیفری قرار نگیرد و از سوی دیگر، دادگاههای ویژه‌ای برای اطفال تشکیل شده باشد. هرچند که این اصول راهبردی مقصود خود را کاملاً آشکار می‌نماید و در بعضی قسمت‌ها شامل نوآوری‌هایی نیز هست، لیکن از بررسی مختصر کار کمیته نظارت در این زمینه، چنین استنباط می‌شود که قواعد و مقررات کنوانسیون، باید پیش از آنکه قوانین دیگری به مجموعه متورم مقررات موجود در قبال اطفال اضافه شود، استقرار یافته و به اجرا درآید. امروزه حقوقدانان بین‌المللی و متخصصان حقوق بشر مشکل عمده را شناسایی کرده‌اند و آن، مسأله اعمال و اجرای قانون است. واقعیت آن است که حقوق بین‌الملل در این زمینه، حمایت‌های بیشتری از کودکان به عمل می‌آورد، مضافاً اینکه کشورها برای وارد کردن معیارهای بین‌المللی در قوانین داخلی خود تعهدات الزام‌آوری را به صورت فراگیر پذیرفته‌اند. در این صورت، مسأله یک مشکل راهبردی است، و آن در این موضوع خلاصه می‌شود که چگونه شکاف و خلأ میان قانون و واقعیت را از بین ببریم.

د. پیشبرد عدالت کیفری اطفال از طریق سایر ساز و کارهای بین‌المللی آقای کیلکلی پیشنهاد می‌نماید^{۲۱} که کارآمدی کنوانسیون را می‌توان از طریق اعمال مفید آن در دستگامهای قضایی داخلی و سایر مراجع قضایی بین‌المللی - مثلاً در سطح اروپا از طریق دیوان اروپایی حقوق بشر -

21. Kilkelly, U (2000), "The impact of the children's convention on the case of the European Convention on Human Rights" in Fotrell, D (ed) Revisiting.

به بالاترین میزان رساند.^{۲۲} رویه قضایی اخیر حاکی از آن است که بطور قطع در زمینه عدالت کیفری اطفال، رشد فزاینده معیارهای کنوانسیون از محاکم بین‌المللی، به سمت محاکم داخلی، زمینه امکانات بسیار جالبی را فراهم نموده و نوید سرعت عمل بیشتری را به ما می‌دهد.

بدین ترتیب، مقررات آینده نگر کنوانسیون ممکن است بصورت منفرد برای بالا بردن معیارها و استانداردها در میان کشورهای شورای اروپا، از طریق پرکردن شکافها در ارتباط با حمایت‌های اصلی در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مؤثر بوده و در عین حال از ساز و کارهای اجرایی مؤثر خود بهره ببرد.^{۲۳}

دیوان اروپایی حقوق بشر در چندین مورد به کنوانسیون اشاره دارد و مقررات آن را مورد تأیید قرار داده است. یکی از آراء اخیر دیوان، نشان می‌دهد که نه تنها دیوان خود را مکلف به اعمال مفاد کنوانسیون می‌داند، بلکه حتی حق تفسیر آن را نیز برای خود قائل است. به علاوه، از این تصمیم دیوان استنباط می‌شود که اصول اساسی در قواعد و اصول راهبردی را نیز می‌توان از طریق این مسیر غیرمستقیم تدریجاً در حقوق داخلی نهادینه کرد.

توان کنوانسیون برای اجرای این امر، بطور کاملاً روشن در پرونده‌های T علیه بریتانیا و V علیه بریتانیا در دیوان اروپایی حقوق بشر نشان داده شده است.^{۲۴}

۲۲. رک. دلماس - مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، نشر میزان، ۱۳۸۱.

۲۳. رک. Van Bueren 1995, p. 171.

24. T.V. UK, Application no 24724/95 and V UK, Application no 24888/94.

دو نوجوان به جرم قتل یک کودک ۳ ساله در دادگاه بزرگسالان به زندان محکوم شدند. دیوان اروپایی حقوق بشر در هر دو پرونده به این نتیجه رسید که به علت ناعادلانه بودن دادرسی و به ویژه ماهیت «ارعاب انگیز» دادگاه بزرگسالان که مانع مشارکت متهمان (نوجوانان) در دفاع از خود بوده، ماده (۱) ۶ نقض شده است. به علاوه، ماده (۱) ۶ از این جهت نیز نقض شده است که شخص سیاستمداری در امر قضایی دخالت نموده و مدت زمان حبس را تعیین کرده است. علاوه بر آن، نگهداری در زندان به معنای نقض ماده (۵) ۴ نیز بود، زیرا متهمان هیچگونه شانس برای اعتراض به تداوم بازداشت خود از نظر قانونی نداشتند.

چیزی که در این پرونده استثنایی است، بررسی بسیار گسترده مقررات سایر اسناد بین‌المللی خاص عدالت کیفری اطفال، از جمله کنوانسیون، قواعد پکن و اصول راهبردی ریاض است. به علاوه این مقررات وارد کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی از جمله در مواد ۳۹، ۳۷ و ۴۰ شده و دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در آراء خود به این مقررات وسیعاً استناد می‌کند.

نتیجه

بررسی در این مقاله نشان می‌دهد که در مقررات بین‌المللی این توانایی بالقوه وجود دارد که حقوق کودک را به میزان قابل توجهی به سطح یک سیستم عادلانه کیفری ارتقا دهد.

همچنین واضح است که حقوق بین‌المللی مبانی سیستمی را بنیانگذاری می‌کند که بیشتر متمرکز بر کودک است، در نتیجه حمایت بیشتری از آنچه قوانین داخلی اکثر کشورها پیش‌بینی کرده‌اند را مدنظر قرار داده است.

اگر این بخش از موضوع اخیراً با اولویت در دستور کار قرار گرفته است، ممکن است تا حدودی بیانگر نگرش و رویه کم‌رنگ دولت‌ها نسبت به اجرای آن باشد. مضافاً این که عدم تمایل دولت‌ها به بهبود عدالت کیفری اطفال، به جهت پیش‌دوری و نگرانی‌های اخلاقی جامعه است که رسانه‌های گروهی درخصوص جرایم اطفال دامن زده‌اند و نیز ارزیابی تصویری از کودکان بزهکار است که به عنوان کسانی که «معصومیت خود را از دست داده‌اند» معرفی می‌شوند. تأثیر حقوق بین‌الملل بر نقایص رفتار و رویه دولت‌ها در این زمینه محدود است. اما در عین حال پیشرفت‌های اخیر حاکی از آن است که اعمال گسترده آن بوسیله دادگاه‌های بین‌المللی، می‌تواند حمایتی جدید، برای کودکان بوجود آورد که حقوق آنها در هنگام رسیدگی به اعمال مجرمانه آنها، نادیده گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد، فرایند یاد شده رو به رشد باشد. بنابراین هرچند استفاده از واژه «انقلاب» در این زمینه درست به نظر می‌رسد، اما عملاً این «انقلاب» هنوز ناتمام است و کاملاً به بار ننشسته است.